

## ساختار دولت و سیستم های انتخاباتی

دکتر بنجامین ریلی، عضو پوهنتونی ملی استرالیا، کانبرا، استرالیا.

این مقاله کوتاه، حق انتخاب برای ساختار یک سیستم دولتی و انتخاب یک سیستم انتخاباتی در افغانستان را مطرح می کند. این مقاله تأکید بر تجارب نسبی دیگر دموکراسی های در حال تحول و بین حق انتخابهای گوناگون در این مناطق را دارد و بخصوص، آن مسئله انتخابات کشورهایی که اخیراً از یک دوره کشمکش و جنگ و جدل های طولانی رهایی جسته اند را مورد بررسی قرار می دهد.

### 1- ساختار دولت: ریاست جمهوری، پارلمانی، یا شبه ریاست جمهوری؟

برای انتخاب یک سیستم نمایندگی دولتی، سه گزینه اساسی وجود دارد. یکی بر اساس سیستم پارلمانی، دیگری ریاست جمهوری و سومی بر اساس مخلوطی از این دو (که معمولاً شبه جمهوری خواهی نامیده می شود).

سیستمهای پارلمانی بوسیله قوه مقننه مشخص شده اند که اساس حیطة قدرت هم برای قانونگذاری و هم قوه اجرائی می باشد. (از طریق رای اکثریت) سیستم های ریاست جمهوری بوسیله جداسازی شاخه های قوه مقننه و قوه اجرائیه در خارج از مجلس که بوسیله رئیس جمهور و کابینه اش اداره می شود، مشخص می گردند. ساده ترین تعریف از تفاوتها بین این دو روش می تواند در میزان استقلال و آزادی قوه اجرائیه خلاصه شود. سیستم های ریاست جمهوری توسط استقلال قوه اجرائیه مشخص می گردند، در حالیکه سیستم های پارلمانی از لحاظ وابستگی دو طرفه هم قوه مقننه و هم قوه اجرائیه مشخص می گردند.

در جوامعی که بعد از کشمکشهای فراوان تشکیل دولت داده اند، مشخصه اصلی بین سیستم پارلمانی و جمهوری تأکید بر رتبه احزاب و عقایدی که در این سیستم به قوه اجرائیه ارائه می شوند، می باشد و این با ماهیت غیرقابل انکار دفتر ریاست جمهوری فرق دارد. به هر حال، مانند هر حق انتخاب دیگر در بحث مزیت این دو نوع حکومت، مسأله کدام خوب بودن نیست، بلکه اینکه کدام برای جامعه با در نظر گرفتن ساختارهای اجتماعی، سیاسی و تاریخی آن جامعه بهتر می باشد، اهمیت دارد.

### سیستم های پارلمانی

بطور خلاصه، اکثریت دموکراسیهای پایدار دنیا دارای سیستم های پارلمانی هستند.

### محاسن سیستم های پارلمانی عبارتند از:

توانایی ایجاد سهولت در دخول همه گروهها به درون قوه مقننه و قوه اجرائیه، زیرا که کابینه سیستم پارلمانی معمولاً از اعضای انتخابی قوه مقننه تشکیل می یابد. دولت پارلمانی توانایی جذب تمامی ارکان سیاسی آشکار در قوه مقننه (شامل اقلیت) و قوه اجرائیه را دارد. کابینه مرکب از ائتلاف چندین حزب متفاوت که سیمای واقعی چندین دموکراسی پارلمانی موفق می باشد، سازماندهی شده است. در جوامعی که عمیقاً بوسیله شکاف های قومی یا دیگر طبقه بندیها تقسیم شده باشد، اصل دخول (شمول) می تواند حیاتی باشد.

**قابلیت انعطاف و ظرفیت تطابق (تطبیق) با تغییرات در شرایط بخصوص.** بخاطر اینکه دولت در بیشتر سیستمهای پارلمانی می تواند تغییر کند، از طریق قوه اجرائیه بدون رجوع به انتخاب عمومی، طرفداران سیستم پارلمانی اشاره به قابلیت انعطاف و ظرفیت تطبیق با تغییرات

مشروط را يك حسن خيلي قوي مي دانند. يك دولت بي اعتبار مي تواند بوسيله خود پارلمان از كار بایستد در مقایسه با شرایط ثابت متداول در سیستم ریاست جمهوری. **کنترل و توازن.** حداقل در تئوری، با وابسته کردن قوه اجرائیه به قوه مقننه، سیستم پارلمانی از مسئولیت و جوابگویی بیشتری از نظر دولتی برخوردار می شود. استدلال کنندگان بحث می کنند که این بدین معنی است که در این سیستم نه تنها کنترل عمومی روی روند سیاستگذاری بیشتر است بلکه شفافیت روشهای اخذ تصمیم نیز بیشتر می شود.

#### **معایب عمده سیستم پارلمانی شامل:**

**تمایل به اخذ تصمیمات خیلی سنگین یا غیر راکد (ثابت):** نمونه ائتلاف دولتها می تواند به آسانی قوه اجرائیه را متوقف (راكد) کند و علت آن ناتوانی احزاب مختلف در موافقت بر دستورالعملهای کلیدی می باشد. این مساله بر چهارمین جمهوری فرانسه تأثیر گذاشت و تا حدی بانی الزام رئیس جمهور شدن **General de Gaulle** بود. این بن بست در تصمیم گیری باعث سقوط اشترک قدرت تحت قانون اساسی سال 1960 قبرس بود.

**فقدان مسئولیت (جوابگویی) و نظم:** منتقدان همچنین بحث می کنند که سیستم پارلمانی طبیعتاً مسئولیت کمتری دارد تا سیستم ریاست جمهوری، چون مسئولیت برای تصمیمات بوسیله همه اعضا، کابینه گرفته می شود تا يك شخص منفرد. این مسئله مخصوصاً موقعی مشکل ساز است که ائتلافهای گوناگون قوه اجرائیه را تشکیل می دهند، بطوریکه می تواند برای منتخبان مشکل باشد تا بدانند فرد مسئول برای اخذ تصمیم چه کسی بوده و يك حکم عطف به ماسبق برای اجرای فعالیتهای دولت بدهند.

**تمایل به داشتن دولتی ضعیف یا از هم پاشیده:** بعضی سیستم های پارلمانی بوسیله ائتلافهای متغیر و متعدد احزاب سیاسی مختلف شناخته می شوند. تحت چنین شرایطی، قوه اجرائیه دولت اغلب ضعیف و ناپایدار می باشد که باعث فقدان تداوم و رهبری سیاستهای کلی می گردد.

#### **سیستم های ریاست جمهوری**

ریاست جمهوری يك انتخاب مردم پسند در بین خیلی از دموکراسیهای جدید در ده ساله اخیر، مخصوصاً در آسیا، اروپای شرقی و آمریکای لاتین بوده است. در زمان نفوذ آمریکا، سیستم ریاست جمهوری این کشور به عنوان بهترین سیستم در دنیا شناخته شده که احتمالاً مسئول این خط سیر می باشد. تجربه اخیر همچنین نمایانگر بعضی محاسن ریاست جمهوری می باشد.

**يك رئیس جمهورمنتخب قابل شناسایی بوده و در حد بالایی در مقابل رای دهندگان، مسئول می باشد.**

مقام ریاست جمهوری در اینجا مستقیماً جوابگویی تصمیمات گرفته شده می باشد در قیاس با سیستم پارلمانی، رئیس قوه اجرائیه اصلی مستقیماً بوسیله رای مردمی انتخاب می شود. بنابراین برای انتخاب کنندگان تشویق یا تنبیه (خلع از مقام) رئیس جمهور در مقایسه با سیستم پارلمانی راحت تر است.

**اختیارات رئیس جمهور برای عملکرد به عنوان يك نماد متحد کننده، در برابر کشمکش های پراکنده حزبی**

يك رئیس جمهورکه از حمایت گسترده ملت برخوردار می باشد نمایندگی آن ملت را بر خود می پذیرد زیرا او يك نماد متحدکننده بین گروههای سیاسی رقیب می باشد. با ایفای این نقش، قوانین

انتخابات رئیس جمهوری باید طوری طراحی شوند که حمایت گسترده ای را بدست آورد. (در بخش های بعدی سیستم های انتخاباتی را به تفصیل مشاهده می کنیم.)

**درجه بالای انتخاب:** این حقیقت که سیستم ریاست جمهوری به طور عمده به رای دهندگان دو نوع گزینه را می دهد، یک رای برای رئیس جمهور، یکی رای برای قوه مقننه بدان معنی است که رای دهندگان بطور آشکار و صریح با یک حیطة وسیعی از انتخاب ریاست جمهوری روبرو هستند تا سیستم پارلمانی.

**ثبات امور و تداوم در موضوعات عمومی:** بر خلاف دولت پارلمانی، یک رئیس جمهور و مجری امور اجرایی در طی دوره شان طبیعتاً نسبت به هم وفادار می مانند، که می تواند ثبات بیشتری در اداره و اعلام سیاستگذاری در پی داشته باشد. این موضوع حداقل در تئوری منجر به حکومتی مؤثر می گردد. در مورد حکومتی که در حال تغییر هستند، به علت داشتن احزاب ضعیف یا تغییرات در ائتلافهای پارلمانی و اتخاذ تصمیمهای فرقه ای این سیستمها جذابیت خاصی ایجاد می کنند. برعکس عیب عمده و اصلی سیستم ریاست جمهوری در اوضاع بعد از کشمکشها، تمایل به تصرف اداره امور بوسیله یک حزب یا گروه اجتماعی می باشد. این موضوع می تواند مشکلات بخصوصی را در جوامع چند ملیتی بوجود آورد. جایی که رئیس جمهور می تواند به عنوان نماینده یک گروه با توجه محدود به احتیاجات دیگر رای دهندگان به حساب آید. این مورد مخصوصاً درباره کشوری مانند افغانستان صادق است، جاییکه گروههای نسبتاً مربوط به هم وجود دارند. معایب دیگر عبارتند از:

**نبود نظارت واقعی بر قوه اجراییه:** این موضوع وقتی به حقیقت می پیوندد که یک پیوستگی بین حزب ریاست جمهوری و حزب اکثریت در پارلمان وجود داشته باشد. در این مورد (کشور مکزیک چندین سال الگو بوده) پارلمان تقریباً هیچ نظارت واقعی بر قوه اجرایی نداشته و بیشتر تبدیل به یک مجلس مذاکرات پارلمانی با شکوه گشته تا یک جایگاه مشروع برای مرور اوضاع. این مشکل می تواند با این حقیقت که یک رئیس جمهور طی دوره خدمتش مصون بماند، بدون هیچ مکانیزمی برای اخراج منصوبان غیر دولتی، مواجه شود.

**فقدان انعطاف پذیری:** در حالیکه اتهام زدن به رئیس جمهور به وسیله قوه مقننه یک راه چاره ای است که در بسیاری سیستم های ریاست جمهوری اجرا می شود، اما در این مورد این مطلب وجود دارد که ریاست جمهوری کمتر از راههای اصلی دیگر انعطاف می پذیرد و یا تطبیق می دهد. بعنوان مثال، **Allenda Salvador** به عنوان رئیس جمهور چیلی **Chile** در سال 1970 تنها با 36 فیصد آرا کنترل قوه اجراییه را با وجود مخالفت قوه مقننه بدست گیرد. بعضی از تحلیل گران بر این عقیده هستند که کودتای نظامی سال 1973 **Chile** را می توان به سیستمی ربط داد که رئیس جمهور غیر مردمی در مقام و قدرت طولانی قرار بگیرد.

### **سیستم های شبه ریاست جمهوری:**

نمونه نهایی قوه اجرایی اغلب شبه ریاست جمهوری نامیده می شود. تحت این مدل یک سیستم پارلمانی و یک صدراعظم با بعضی قدرتهای اجرایی با یک رئیس جمهور، کسی که همچنین قدرت اجرایی دارد، ترکیب می شوند. وزرا بعد از گرفتن رای اعتماد از قوه مقننه بکار گماشته می شوند. این یک نمونه وابستگی غیر معمول است که امروزه در فرانسه، پرتغال، فنلاند، سریلانکا و یکی دو کشور دیگر دیده می شود، اما با این وجود بعضی اوقات بعنوان یک فرمول اجرایی مطلوب در دموکراسیهای ناپایدار از این مدل حمایت می شود.

**محاسن:**

مزایای سیستم پارلمانی و سیستم ریاست جمهوری می توانند با هم ترکیب شوند. روآوری به مدل شبه ریاست جمهوری در قابلیت اشتراک محاسن رئیس جمهوری بطور مستقیم باینک صدر اعظم که باید در صدر اکثریت مطلق در قوه مقننه قرار بگیرد، می باشد. یک حرکت به سمت شبه ریاست جمهوری به عنوان یک راه میانبر خوب برای بعضی از کشورهای می خواستند محاسن هر دو سیستم ریاست جمهوری و پارلمانی را ادغام کنند، توصیه می شود.

**شرایط اجماع متقابل:** استدلال کنندگان شبه ریاست جمهوری روی ظرفیت طرفداران شبه ریاست جمهوری جهت افزایش مسئولیت و همانندی قوه اجرائیه تاکید دارند در حالیکه همچنین ساختار در یک سیستم عقلانی تطابقها و توازن ها و احتیاجات برای توافق عام بین دو جناح قوه مقننه و دولت است. این شرط توافق عقلانی عام می تواند بطور بخصوصی جوامع تقسیم شده مهم باشد، بطوریکه لازمه آن داشتن یک رئیس جمهور است که با قوه مقننه در موارد مهم توافق داشته باشد، و بنابراین نیرویی باشد برای گروه میانه رو تا گروه افراطیون.

### معایب :

تمایل به بن بست رسیدن بین و درون جناحهای اجرائی دولت، چون قدرتهای دولت به طور مؤثری بین صدر اعظم و رئیس جمهور تقسیم شده است. بعنوان مثال وزارت امور خارجه حافظ رئیس جمهور می باشد در حالیکه صدر اعظم و کابینه اش سیاست داخلی را تنظیم می کنند. بطور کلی یک تنش ساختاری بین دولت وجود دارد. این مطلب می تواند به سوی وقفه و رکود حرکت کند، بخصوص اگر همانطوری که اغلب اتفاق می افتد صدر اعظم و رئیس جمهور از گروههای سیاسی مختلفی باشند. حسن مصالحه و ملایمت این است که می تواند رکود را در مورد بعضی از موضوعات کاهش دهد. این مطلب مخصوصاً در مواردی که تفاوت بین مسئولیت دو مقام کاملاً مشخص نیست (بطور مثال: سیاست خارجی در سیستم فرانسه) و جایی که زمان و توالی انتخابات بین مجالس متفاوت باشد، دیده می شود.

### نتیجه:

فراتر از همة این بحثها، یک سابقه قابل ملاحظه تجربی وجود دارد. از تعداد زیادی از ولایتهایی که در سه دهه بعد از پایان جنگ جهانی دوم استقلال یافتند، همة کشورهای می توانستند ادعا کنند که تا آخر سال 1980 یک دموکراسی متداوم برقرار کرده اند، دارای سیستم پارلمانی بودند. از 93 دموکراسی جدید که استقلالشان را طی سالهای 1945 الی 1979 اعلام شد، 15 کشوری که دموکراسی باقی ماندند، در طی سالهای 1980 دارای سیستم پارلمانی به جای سیستم ریاست جمهوری بودند، که شامل تعدادی از کشورهای در حال توسعه موفق مثل:

هند، (Botswana) و (papua new Guinea) می باشد. برعکس کلیه دموکراسیهای ریاست جمهوری جدید در این دوره به عناوین مختلفی از هم پاشیدند. روی هم رفته عمر سیستم پارلمانی سه برابر بقای سیستم ریاست جمهوری می باشد.

### سیستم های انتخاباتی

سیستم های انتخاباتی احکام و راهکارهایی هستند که از طریق آنها آراء در انتخاباتی داده می شوند و به کرسیهای برنده در پارلمان یا دیگر ارکان منتهی می گردند. ( بطور مثال: رئیس جمهوری).

یک سیستم انتخاباتی برای انجام سه کار اصلی طرح می شود. اول، تشریح آراء به کرسیهای جایگاه قوه مقننه. دوم، سیستم انتخاباتی بعنوان یک کانال عمل میکند که توسط آن مردم نمایندگان انتخاب کرده خود را مسئول بدانند. سوم، سیستمهای متفاوت انتخاباتی رقباتی خواهان قدرت را برمی انگیزاند تا درخواستهایشان را بطور مجزا برای انتخاب کنندگان بیان کنند.

در جوامع چندگانه، بعنوان مثال، جایی که زبان، مذهب یا دیگر شکل‌های قومی (نژادی) خالیگاه سیاسی مهمی را نشان می‌دهد، سیستم‌های ویژه انتخاباتی طراحی می‌شوند، تا کاندیداهایی که بطور مشترک عمل می‌کنند و رفتار مشابه و مطابق با گروه‌های رقیب دارند، تشویق شوند. در اینگونه جوامع بر اساس تعصبات کاندیداها می‌توانند تشویق و یا تنبیه شوند. سیستم‌های انتخاباتی معمولاً بر حسب تناسب عملیات در تشریح رای به کرسی، به منتخبین احزاب طبقه بندی می‌شوند. یک ساختار سه سویه این سیستم‌ها را به سیستم‌های تعدد اکثریت، شبه مناسب و نمایندگی متناسب بر حسب PR تقسیم می‌کند. سیستم تعدد اکثریت تأکید بیشتری روی نمایندگی محلی دارد که از طریق استفاده از حوزه انتخاباتی تک عضوی حاصل می‌گردد. در چنین سیستم‌هایی اکثریت (FIRST-PAST-THE POST) انتخاب نهایی و مسدود کردن برای گزینه ای وجود دارد. برعکس سیستم نمایندگی بر حسب نسبت جمعیت-که بطور نمونه از حوزه‌های پر جمعیت استفاده می‌کند و نتایج بیشتری را بدست می‌آورد- شامل نسخ "باز" و "بسته"، PR حزب و همچنین سیستم "اعضاء مخلوط" و "تک رای قابل انتقال" می‌باشد. سیستم‌های شبه متناسب با اینحال روش‌های دیگری را پیشنهاد میکنند که شامل مدل‌های "مختلط" بوده و توسط آن بخشی از گروه محلی انتخاب می‌شوند. یک گزینه متداول در بسیاری از دموکراسی‌های جدید در دهه اخیر می‌باشد. سیستم‌های انتخاباتی گوناگون بیشمار وجود دارند. در کل میتوان آنها را به نه سیستم اصلی که شامل سه مجموعه وسیع می‌باشد تقسیم کرد. متداولترین روش، مشاهده سیستم‌های انتخاباتی در گروه‌بندی آنها از این نظر که آنها چقدر در کسب رای به برنده شدن کرسی پارلمانی نزدیک هستند، می‌باشد. (حد تناسب سیستم). اکثر گزینه‌های سیستم‌های انتخابی مستلزم داشتن نوعی مبادله می‌باشند: حداکثر کردن تناسب و در بر گیری تمام نظریه‌ها یا حداکثر کردن کارایی دولت توسط حکومت‌های تک حزبی و جوابگویی.

### سیستم تعدد اکثریت

این شامل 2 سیستم تعدد اکثریت می‌باشد.

- 1- متداولترین سیستم مورد استفاده در جهان، **FPTP** می‌باشد. رقابتها در حوزه‌های تک عضوی برگزار می‌شوند و کاندید دارای بیشترین رای برنده میشود بدون الزام به داشتن اکثر آراء. **FPTP** بخاطر ساده بودن طرفداران زیادی دارد و تمایل به داشتن نمایندگانی است که در مناطق جغرافیایی تعریف شده ای باشند. کشور های انگلیس، آمریکا، هند، کانادا، و بیشتر کشورهای که قبلاً قسمتی از امپراطوری بریتانیا بودند این سیستم را مورد استفاده قرار می‌دهند.
- 2- رأی مسدود کردن (**BV**) کاربرد **FPTP** در حوزه‌های چند عضوی تا تک عضوی می‌باشد. رای دهندگان به تعداد کرسی‌های پر شونده حق رای دارند و کاندیدائی با بالاترین شمارش آراء کرسی را پر میکند بدون توجه به فیصد آرائی که در اصل بدست می‌آورند. این سیستم در قسمتهایی از آسیا و خاورمیانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. گونه دیگر این سیستم "مسدود کردن حزب" که در سنگاپور و مایوریتوس (**Mauritius**) استفاده می‌شود: رأی دهندگان احزاب را بجای کاندیداها انتخاب می‌کنند حزبی که بیشترین آراء اخذ شده را بدست آورد کلیه کرسی‌های این حوزه انتخابی را برنده می‌شود.
- 3- در سیستم گزینه رأی (**AV**): انتخاب کنندگان کاندیداها را به ترتیب گزینه با علامتگذاری، شماره 1 برای بهترین کاندیدا و شماره 2 برای منتخب بعدی و شماره 3 برای سومین انتخاب و الی آخر رتبه بندی می‌کنند. بنابراین سیستم بیان ارجحیت کاندیداهایشان را برای رای دهندگان مقدور می‌سازد. اگر هیچ کاندیدایی بالاتر از 50 فیصد آراء اولین اولویت را بدست نیاورد، آراء اولویت رده پائین تر انتقال پیدا می‌کنند تا برنده اکثریت آراء معلوم

شود. این سیستم در استرالیا و تعداد دیگری از کشورهای جنوب اقیانوس آرام مورد استفاده قرار می‌گیرد.

4- سیستم دو دوره ای (TRS) دارای دو دوره رای گیری می باشد که اغلب يك یا دو هفته با هم فاصله دارند. دور اول مانند سیستم FPTP می باشد. اگر کاندیدایی اکثریت مطلق آراء را دریافت کند او یکجا انتخاب می شود بدون احتیاج به مرحله دوم انتخابات. اگر هیچ کاندیدایی اکثریت مطلق آراء را بدست نیآورد بعدا دور دوم رای گیری انجام می شود و برنده این دوره انتخاب می گردد. این سیستم به طور گسترده ای در فرانسه، مستعمره های پیشین فرانسه و قسمتهایی از اتحادیه شوروی سابق استفاده می شود.

5-

#### سیستم های شبه متناسب

کسب آراء در سیستمهای شبه متناسب PR کرسیها چیزی ما بین سیستم متناسب PR و سیستم اکثریت در سیستم تعدد اکثریت می باشد. سیستم شبه متناسب شامل سیستمهای ارائه غیر قابل انتقال (SNTV) و سیستم مرکب می باشد.

6- در سیستم های SNTV هر منتخب يك رای دارد ولی چندین کرسی در يك حوزه وجود دارند و کاندیداهایی با بیشترین تعداد آراء این کرسیها را پر می کنند. یعنی در يك منطقه چهار عضوی بطور مثال، يك کاندیدا تنها بالای 20 فیصد آراء را برای انتخاب شدن احتیاج دارد. از این سیستم امروزه فقط در اردن و واناتو استفاده می شود. اما بیشتر مربوط به ژاپن می باشد که تا سال 1993 از آن استفاده می کرده است.

7- سیستمهای متوازی از هر دو فاکتور PR در حوزه های تك عضوی که کاندیداها در کنار هم در رقابت هستند بطور متوازی استفاده می کنند. بخشی از پارلمان توسط نمایندگی و بخشی توسط روش تعدد اکثریت می شوند. سیستم متوازی به طور گسترده بوسیله دموکراسیهای جدید در دهه 1990 بکار گرفته شده، زیرا ظاهرا ترکیبی از مزایای فهرست PR با حوزه های تك عضوی وجود داشته است. به هر حال بر اساس طرح سیستم، سیستمهای متوازی می توانند نتایجی ناهمگونی مانند سیستم تعدد اکثریت حاصل کنند.

8-

#### سیستمهای نمایندگی نسبی

هدف کلیه سیستمهای PR کاهش اختلافات میان احزاب در رای گیری ملی و تصرف کرسیهای پارلمانی می باشد. مثلا اگر حزبی بزرگ 40 فیصد آراء را کسب کند در نتیجه 40 فیصد کرسیها را خواهد گرفت و همین موضوع برای هر حزب کوچکتر صادق می باشد.

برای بسیاری از دموکراسیهای جدید مخصوصا آنهایی که با خالیگاههای عمیقی روبرو هستند، مشارکت کلیه گروههای مهم در پارلمان برای یکپارچگی دموکراسی امری حیاتی است. معمولا در سیستمهای PR نتایجی چون ساخت توافق عام و اشتراك قدرت محسوس می باشد.

انتقادات از PR به دو دسته تقسیم می شوند. یکی اینکه ائتلاف و همبستگی دولتها را بالا می برد. با معایبی مانند پراکندگی سیستم حزبی و ناپایداری دولت و دیگر اینکه PR همبستگی ضعیفی بین يك نماینده و انتخابات کنندگان منطقه اش ایجاد می کند. و چون انتظار می رود که رای دهندگان به احزاب بجای اشخاص یا گروهی از اشخاص رای بدهند، این سیستم در جوامعی که ساختارهای ناپایدار و ناقص دارند مشکل ایجاد می کند.

9- سیستمهای فهرستی PR متداولترین در نوع PR می باشند. این سیستم در حوزه های پر جمعیت بکار گرفته می شود. فهرست PR مستلزم می دارد که فهرستی از کاندیداهای منتخب هر حزب به رای دهندگان ارائه می شود. انتخاب کنندگان به يك حزب رای می دهند و احزاب نسبت به آراء دریافتی ملی کرسی تصرف می کنند. کاندیداهای انتخاب شده

به ترتیب مقام از فهرست بیرون می آیند. از این سیستم در اروپا آمریکای لاتین و آفریقای جنوبی استفاده می شود.

10- سیستمهای ترکیب نسبی (MMP) که در آلمان، نیوزیلند، بولیویا، ایتالیا، مکزیک، ونزوئلا و مجارستان از آن استفاده می شود، می کوشند تا ترکیبی از ارائه سیستمهای اکثریتی و PR داشته باشند. در یک تناسب پارلمانی (تقریباً، در نیمی از موارد آلمان، نیوزیلند، بولیویا و ونزوئلا) انتخاب شده با روش رأی تعدد اکثریت معمولاً از یک حوزه تک عضوی می باشد در حالیکه بقیه توسط لیست PR انتخاب می شوند. کرسیهای PR برای جبران هر عدم تناسب بوجود آمده بوسیله نتایج تصرف کرسی در حوزه استفاده می شود. حوزه های تک عضوی همچنین نمایندگی منطقه ای را برای رأی دهندگان تضمین می کند.

11- رأی انتقالی منفرد (STV) از حوزه های چند عضوی استفاده می کند. جایی که رأی دهندگان بر حسب اولویت در رأی گیری مانند آراء، رده بندی می کنند که بعد از شمارش، کل سهمیه آراء برگزار می شود که کاندیدا باید اولویت اول آراء را بدست آورد تا انتخاب شود. هر کاندیدی که بیشترین سهمیه را دارد فوراً انتخاب می شود. اگر هیچکس سهمیه را به دست نیورد کاندیدی با پایین ترین تعداد رأی از اولویت بندی حذف شده و اولویتهای بعدی دوباره در میان کاندیداهای باقیمانده توزیع می شود. آراء مازاد کاندیداهای انتخاب شده (یعنی آنهایی که بیش از سهمیه رأی آورنده اند) بر طبق اولویت بعدی دوباره روی برگه های رأی گیری توزیع می شوند تا همه کرسیها حوزه انتخاباتی پر شوند. این سیستم بخوبی در ایرلند و مالتا استفاده می شود.

### سیستم انتخاباتی جوامع بعد از کشمکش

سیستمهای انتخاباتی تأثیر مهمی بر سیاستها در جوامعی که دارای تقسیمات قومی، مذهبی ایدئولوژیکی و غیره هستند دارند. بهر حال، عدم توافق در اینکه کدام سیستم انتخاباتی برای اینگونه جوامع مناسب می باشد وجود دارد. گزینه ها عبارتند از:

### نمایندگی نسبی

بسیاری از متخصصین بر آن عقیده هستند که نوعی سیستم PR برای جوامع، بعد از کشمکش بسیار مهم می باشد. این بر اساس لزوم تضمین داشتن نماینده از طرف اجزای مهم جامعه نسبت به جمعیت در قوه مقننه می باشد. همچنین روابط تجربی بین قوانین انتخاباتی و ابردولتهایی که توسط ائتلاف، در قدرت شریک می باشند، وجود دارد. انتخابات PR ساده ترین شکل انتخابات معمول می باشد که آنها می توانند از آن برای رأی گیری ملی استفاده کنند که در آن احتیاجی به محدود کردن حوزه های انتخاباتی نمی باشد.

به همین دلیل اکثر تحولات و کشمکشهای بعد از انتخابات در سالهای اخیر بخاطر استفاده از نوعی سیستم PR بوده است. انتخابات مرحله ای در نامبیا (1989)، نیکاراگوئه (1990)، کامبوزیا (1993)، آفریقای جنوبی (1994) موزامبیک (1994)، لیبیا (1997)، اندونزی (1999)، بوسنی (2000 و 1998 و 1996)، کوزوو (2001) و تیمور شرقی (2001) همه تابع قوانین PR بوده اند. بخصوص ساده ترین شکل این سیستم حزب - PR ظاهراً در انتخابات پارلمانی در سازمان ملل بالفعل گشته است.

بهر حال، سیستمهای ملی PR همچنین دارای معایبی می باشد، همانطور که پیوستگی جزئی منطقه ای بین رأی دهندگان و نمایندگانشان ایجاد می کنند. مشکلاتی نیز در رابطه با مسئولیت و پاسخگوئی بین سیاستمداران و انتخاب کنندگان را در بردارد. بسیاری از دموکراسیهای جدید - بخصوص آنهایی که دارای جوامع مشمول به اصلاحات ارزی دارند - نیاز بیشتری به خدمات به رأی دهندگان محلی دارند تا نمایندگی اعتقادات سیاسی در قانون

وضع شده. در آفریقای جنوبی و کامبوج و دیگر نقاط این بحث وجود دارد که سیستم‌های تناسبی استفاده شده در انتخابات اولیه باید اصلاح شوند تا مسئولیت نمایندگی تشویق گردد. این کار توسط نمایندگان پارلمان که نماینده قلمرو حوزه تعریف شده ای باشد و به نیازهای انتخاب کنندگان خدمت کند، صورت می‌گیرد. در سال‌های اخیر گزینه معمول سیستم انتخاباتی "مرکب" بوده است که در اینجا قسمتی از قوه مقننه در سطح ملی یا در سطح منطقه ای با نمایندگی نسبی انتخاب می‌شود و قسمتی دیگر از حوزه های محلی تک عضوی انتخاب می‌شوند تا هر دو، هم تناسب و هم مسئولیت به حداکثر برسند. به عنوان مثال، در انتخابات اگوست سال 2001 برای قانون اساسی جدید تیمور شرقی از سیستم مرکب استفاده شد با انتخاب 75 کرسی در مجلس بر اساس سیستم PR ملی و انتخاب 13 کرسی (یکی برای هر حوزه) بر اساس سیستم FPTP می‌باشد.

### سیستم های انتخاباتی اتحاد آراء

روش دیگر در انتخاب قوانین انتخاباتی برای جوامعی چون افغانستان که دارای خالیگاه‌های عمیق اجتماعی می‌باشد، برگرداندن اقسام قانون وضع شده توسط نمایندگی نسبی آسان نمی‌باشد. در اینجا باید سیستم‌هایی برگزیده شوند تا همکاری و مذاکره بین نیروهای مخالف سیاسی را در زمینه رقابت انتخاباتی تشویق کند. بعضی مدل‌های انتخاباتی که در جوامع از هم پاشیده استفاده گردیده - مانند تقسیم آراء مورد استفاده در فیجی یا رأی منفرد قابل انتقال که در ایرلند شمالی مورد استفاده قرار گرفته، رأی دهنده را مجاز می‌سازد تا نه فقط به اولین کاندید فهرست بلکه به بعدیها نیز رأی بدهد. رأی دهندگان بر گه های آراء را به نظم در آوردند. این موضوع احزاب و کاندیداها را در گسترده تر کردن مبارزات انتخابی خود به امید گرفتن دومین یا سومین گزینه را از بیرون هسته جبهه خود تشویق می‌کند. همچنین داشتن حمایت قوه قضائیه برای گذشتن از مزهای قومی در کشوری چون افغانستان برای رقابتهای سیاسی بسیار مهم می‌باشد. تکرار می‌کنم که سیستم‌هایی چون کسب رأی و رأی منفرد قابل انتقال می‌توانند در شرایط بخصوصی وسیله ای برای رسیدن به این هدف باشند. احزابی که در توافق مبادله اولویت بطور موفقیت آمیز عمل کرده باشند، با استفاده از حمایت دو جانبه سایرین تشویق می‌شوند، بنابراین با این عمل هسته مرکزی سیاسی تقویت می‌شود. موفقیت نیروهای محافظ صلح در انتخابات سال 1998 ایرلند شمالی متکی بر یک حیطة مشخصی از انتقال رأی به گروه میانه رو و دور از افراطیون بود. فیجی، استونیا، سریلانکا و پاپوا، گینه نو مثال‌های دیگری از کشورهایی هستند که از سیستم انتخاباتی اتحاد آراء در آنجا استفاده شده است.

### شناخت صریح گروه‌های اشتراکی

سومین راه برای انتخابات و کشمکش مدیریتی شناخت صریح و آشکار اهمیت هویت گروه‌های مشترک در فرآیند سیاسی است که این مطلب باید تحت قیمومت قانون انتخاباتی باشد.

گزینه ها عبارتند از :

طومار انتخاباتی اشتراکی: یعنی گروه تعریف شده طومار انتخابی خودش را خواهد داشت، و تنها اعضای "گروه خودشان" را برای پارلمان انتخاب می‌کنند. امروزه، تنها فیجی از این سیستم استفاده می‌کند، این بعنوان یک حق انتخاب اختیاری برای رأی دهندگان مانوری در نیوزلند باقی می‌ماند.

کرسیهای محفوظ برای اقلیتها: بسیاری از کشورها چندین کرسی برای چنین گروه‌هایی رزرو میکنند. بطور مثال، هند (قبایل منظم و فرقه ها)، پاکستان (اقلیت‌های غیر مسلمان)، تایوان (مشارکتهای اصیل)، ساموآی غربی (اقلیت‌های غیر بومی) و غیره. اما چنین اعضایی ممکن



است بعنوان "جایگزین" در پارلمان در نظر گرفته شوند و این خشم و انزجار اکثریت مردم را پرورش و عدم اعتماد بین اقلیتها را افزایش دهد.

فهرست احزاب قومی تحت قیمومت: بعضی از کشورها نیاز دارند که لیست تفاوت نژادی کاندیداهای انتخاب شونده را نشان بدهند. در لبنان، بطور مثال، تعداد کرسیها قبلاً بین گروههای ادیان مختلف تقسیم می شد. بنابراین انتخابات بر اساس معیارها نه وابستگی های قومی انجام می گیرد. سنگاپور از یک سیستم مشابه این سیستم استفاده می کند، تا نمایندگان اقلیتیهای هندی و مالزیایی خود را افزایش دهد.

کرسیهای بهترین بازنده: بالاخره تعدادی از کشورها "کرسیهای بازنده" را به بازندگان اجتماعات در قومی بخصوص و آگذار می کنند. در ماریویتوس (Mauritius) چهار "کرسی بازنده" به کاندیداهایی که بالاترین آراء اخذ شده را بین گروههایی که نتوانستند به اندازه کافی نماینده داشته باشند جهت توازن نمایندگی قومی اختصاص داده اند.

### سیستم انتخاباتی ریاست جمهوری

گزینه های قبلی بر سیستمهای انتخاباتی قوه مقننه تاکید داشتند. ولی نحوه انتخاب رئیس جمهور دارای همان اهمیت می باشد، بخصوص در تضمین اینکه او واقعا نماینده برگزیده مردم باشد، فرمان دهد و حمایت اکثریت را در کشور دارا باشد.

در اینجا انتخاب یک سیستم انتخاباتی تأثیر به سزایی دارد، بطور مثال تحت یک سیستم FPTP (تعدد) کاندیدای برنده شده باید آراء بیشتری نسبت به رقیبانش بدست آورد، اما نه الزماً رأی اکثریت مطلق. این مورد در انتخابات با تعداد زیاد کاندیداهای، می تواند منجر به انتخاب شدن رئیس جمهور با اقلیت آراء گردد. در بسیاری کشورها انتخاب رئیس جمهورشان در دو دور رأی گیری با دو کاندید، در صورتی که هیچ شخصی اکثریت مطلق را در دور اول بدست نیاورده باشند، انجام می گیرد. این بدان معنی است که در فاصله زمانی کوتاه انتخابات باید دوباره برگزار شود که این موضوع تکلیفی سخت برای مدیریت اداری می باشد. یک راه راحل برای رفع این مشکل داشتن یک "مقابله فوری" می باشد. با استفاده از کسب آراء برای انتخاب رئیس جمهور در اینجا دومین و سومین منتخب های انتخاب کنندگان در نظر گرفته می شوند، در صورتیکه هیچکس اکثریت مطلق آراء را بدست نیاورده باشد. یعنی دور دوم رأی گیری لازم نیست، چون رأی دهندگان در همان دور اول، دومین اولویتشان را روی برگه آراء ثبت کرده اند. کشورهایی مثل ایرلند و سریلانکا از این سیستم برای انتخابات ریاست جمهوریشان استفاده می کنند تا مطمئن شوند که کاندیدای برنده با اکثریت مطلق آراء (یعنی بیش از 50 فیصد) حمایت شده است.

متناوباً، می توان از نظامی که احتیاج به گستردگی جغرافیایی آراء دارند، استفاده کرد. تعدادی از کشورهای آفریقایی مانند نیجریه و کنیا از چنین سیستمهایی "سیستمهای توزیعی" برای انتخابات ریاست جمهوریشان استفاده می کنند تا حمایت همه گروههای مختلف از کاندیدا تضمین شود. در کنیا، بطور مثال، یک کاندیدای موفق باید حداقل 25 فیصد آراء را در حداقل 5 ولایت از 8 ولایت را به دست آورد. هدف تضمین ایجاد اتحاد در تمام مناطق توسط رئیس جمهور انتخاب شده می باشد.

در مقابل، انتخابات ریاست جمهوری تحت سیستم FPTP پیروزی اقلیت را مهیا می سازد که امکان دارد که این نتیجه حمایت رای دهندگان یک منطقه یا یک گروه قومی باشد. در آخر، حداقل از این سیستم انتخاباتی برای انتخابات ریاست جمهوری باید پرهیز کرد.

سوم فوریه 2003